

تحلیل اندیشه‌های رجالی و گزارش‌های حدیثی «علی بن حسن بن فضال» با تأکید بر «رجال کشی»*

کوثر یوسفی نجف‌آبادی^۱، حسین ستار^۲، روح‌الله شبیدی^۳، محمدهادی یوسفی غروی^۴

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳)

چکیده

نقش خاندان فضال در انتقال میراث روایی شیعه امری انکارناپذیر است. در این میان علی بن حسن بن فضال با تأثیرگذاری بر اندیشه‌های حدیثی و رجالی پسینیان خود امر مهمی را برعهده داشته است. پژوهش‌های مختلفی پیرامون آثار روایی وی انجام شده لیک سوال از چند و چون فهم اندیشه رجالی وی به عنوان یک رجالی «نص‌گرا» و مولف قرن ۳ همچنان مطرح است. این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از شیوه‌هایی چون تحلیل اسناد-متن^۵ و یافتن حلقه مشترک و تبیین روابط معنایی میان روایات سعی دارد تا به مدد بازیابی آثار وی در کتاب اختیار معرفه الرجال کشی مبنای جرح و تعدیل و عوامل اثرگذار بر نوع رأی رجالی وی را به دست آورد و دلایل اعتماد کشی و عیاشی بر او و نیز داوری دانشیان در تعارض بین علی بن فضال و عیاشی را به عیار نقد بازنماید بدین ترتیب مشخص شد که علی بن فضال در نظرات رجالی از سه شیوه بیانی برای وثاقت یا ذم راویان استفاده می‌کند، معیار توثیق راویان از نظر علی بن فضال را در سه دسته می‌توان شماره کرد و آنچه که در وهله اول برای علی بن فضال مهم است واکنش یا سخن امام نسبت به یک شخص است. او گرایش‌های غیر تأثیرگذار در اندیشه‌های مهم کلامی را در توثیق راویان دخالت نمی‌دهد و می‌توان از احتمال گرایش کلامی وی هم‌راستا با این ابی عمیر و در مخالفت با یونس بن عبد الرحمن سخن گفت وی با درایت‌های رجالی خاص خود انواع الفاظ توثیق و تضعیف را به کار بسته و اندیشه فطحی در آرای رجالی تأثیر نداده است.

کلید واژه‌ها: علی بن حسن بن فضال، اختیار معرفه الرجال، توثیق و تضعیف راویان، محمد بن مسعود عیاشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی، فطحیه.

* این اثر تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) برگرفته شده از طرح شماره «۴۰۱۳۲۶۹» انجام شده است.

۱. دانشجوی دکترا علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات، دانشگاه کاشان، ایران؛ ky.yusefi@grad.kashanu.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات، دانشگاه کاشان ایران، (نویسنده مسئول) sattar@kashanu.ac.ir
۳. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده الهیات، دانشکدگان فاریابی، دانشگاه تهران، قم، ایران؛ shahidi@ut.ac.ir
۴. استاد حوزه علمیه، پژوهشگر تاریخ، قم، ایران؛ yusufi.gharawi@gmail.com
5. isnad - cum- matn Analysis

۱- بیان مساله

تاریخ رجال شیعه پیش از اصول اولیه رجالی از جهات مختلف روشن نیست. آنچه تاکنون مطرح شده مروری گذرا، نه چندان دقیق و بنیاد نهاده بر حدس و گمان، بر درون مایه آنهاست. از این روی این مقاله کوششی در راه بازسازی منابع پیش گفته و کنشگران رجالی در آن دوران و زمانه و گامی در راستای نگارش تاریخ رجال شیعه است. از این میان علی بن حسن بن فضال به عنوان چهره شناخته شده رجالی در قرن سوم کتابی خاص در علم رجال داشته است این پژوهش سعی دارد به بازبایی آثار وی بپردازد و آنجا که از جمله مباحث قابل توجه در پژوهشهای رجالی، مبانی جرح و تعدیل و عوامل اثرگذار بر نوع رأی رجالی است، که در تعیین اعتبار و وزن اقوال رجالیان متقدم بسیار اثرگذار است. یکی از دغدغه‌های مقاله پیش رو ترسیم این نکته در اقوال علی بن فضال است تا نشان دهد که چگونه تمایل او به جریان‌های اندیشگانی در عراق و... در نقل روایت اثرگذار بوده است. از دیگر سو این نکته می‌تواند در تحلیل چرایی و چگونگی تعارض نماها در رجال‌کشی هم اثرگذار باشد.

۲- مقدمه

خاندان فضال به‌عنوان یک خاندان شناخته‌شده در حفظ و انتقال میراث حدیثی شهره و در علوم مختلف وابسته به حدیث قلم زده‌اند. علم رجال یکی از موضوعات موردتوجه این خاندان و به خصوص علی بن حسن بن فضال است؛ لیک با توجه به اهمیت این کتاب در تاریخ رجال شیعه آثار رجالی آنان تاکنون به‌دقت مورد ارزیابی قرار نگرفته است. آنچه در این موارد است؛ مروری گذرا بر روایات رجالی آنان است. در این راستا حسین فؤاد المزروق^۱ در نشریه رساله القلم سعی کرده است؛ تا آنچه از میراث روایی علی بن فضال با

۱. المزروق، حسین فؤاد، (۱۴۳۱)، «رجال ابن فضال علی بن الحسن بن علی بن فضال (کان موجوداً سنة ۲۰۶ هـ)»، رساله القلم، شوال، ص ۱۳۷ تا ۱۷۷.

مضامین رجالی باقی مانده است را در زیر چتر کتاب *الرجال* وی جمع‌آوری کند. مفید و حسینی شیرازی^۱ نیز در مقاله‌ای با عنوان «فعالیت فرهنگی فطحیه» سعی کرده‌اند تا با شناساندن باورهای فطحیه؛ تلاش‌های بنو فضال به‌عنوان سرشناس‌ترین خاندان فطحی در انتقال میراث حدیثی را نشان دهند؛ اما تمرکزی بر میراث رجالی علی بن فضال نداشته‌اند. هادی زاده کوه بنانی^۲ نیز در پایان‌نامه خود تلاش دارد اندیشه‌های کلامی بنو فضال را بشناساند. زین روی آثار و اندیشه‌های رجالی علی بن فضال به‌دقت مورد واکاوی قرار نگرفته است. پیگیری روایات رجالی علی بن فضال حکایت از حضور حداکثری آنها در کتاب اختیار معرفه الرجال دارد زین روی این پژوهش برآن است تا با بهره‌گیری از روش تحلیلی اسناد- متن^۳ از دریچه این کتاب با بررسی شخصیت علی بن فضال در نگاه رجالیان، طریق کشی به روایات، کاوش در مشایخ او و نگاه دیگر دانشیان رجالی شیعه و اهل سنت به وی، اندیشه رجالی و حدیثی علی بن فضال را به‌عنوان یک نص‌گرا در قرن سوم از خلال روایات بازشناسی شده فهم کند و در اختیار دیگر دانشیان رجالی و حدیثی قرار دهد. در این راستا پس از شخصیت‌شناسی علی بن فضال به راه‌های دستیابی کشی به روایات وی پرداخته می‌شود و آنگاه در راستای اندیشه‌شناسی رجالی وی شیوه بیان توثیق و تضعیف و معیارهای آن مطرح خواهد شد و تاثیر باورهای کلامی علی بن فضال بر آرای رجالی بررسی و تحلیل اندیشه‌های رجالی وی از خلال روایات و نظرات رجالی وی بیان می‌شود و سپس از تاثیر اندیشه‌های رجالی مشایخ وی و جایگاه نظرات او در رجال‌کشی و به‌طور کلی در شیعه و اهل سنت سخن به میان می‌آید.

۲-۱. شخصیت‌شناسی علی بن الحسن بن فضال

علی بن الحسن بن علی بن فضال بن عمر بن ایمن بن عکرمه بن ربیع الفیاض

۱. مفید، عباس، حسینی شیرازی، سید علیرضا، (۱۳۹۸)، «فعالیت فرهنگی فطحیه در انتقال حدیث امامیه (نمونه

موردی بنو فضال)»، *مطالعات اعتبار سنجی حدیث*، بهار و تابستان، شماره ۱، ص ۶۱ تا ۸۳.

۲. هادی زاده کوه‌بنانی، احسان، (۱۴۰۰)، «اندیشه‌های کلامی بنو فضال و تاثیر آن بر میراث علمی امامیه»، پایان‌نامه ارشد مدرسی معارف اسلامی گرایش مبانی نظری اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان.

3. isnad – cum- matn Analysis

ابوالحسن، یکی از مشایخ با واسطه کشی است. کشی حدود ۱۰۶^۱ نقل را از وی در کتابش می‌آورد، زین روی فهم شخصیت رجالی و حدیثی وی و بازیابی آثار و آرای وی از خلال این روایات تا حدودی ممکن خواهد بود.

مفصل‌ترین داده از زیست‌نامه علی بن حسن - همانند پدرش - را می‌توان در کتاب رجال نجاشی یافت. نجاشی به ندرت در کتابش توصیفی چنین گسترده از اشخاص ارائه می‌دهد و این امر خود حکایت از اهمیت شخصیت وی در میراث روایی و رجالی است. توصیف نجاشی از وی با عبارت «فقیه» شروع می‌شود و سپس او را با عباراتی همچون «وجه»، «ثقه»، آشنا به حدیثی توصیف نموده که نظرش مورد پذیرش قرار می‌گیرد و در پایان او را به عنوان منتقل‌کننده روایات بسیار، وصف می‌کند (نجاشی، ۲۵۷). آغاز کلام نجاشی به «فقیه بودن» علی بن حسن بن فضال نشان از بارز بودن ابن بعد از شخصیت علمی او نزد اصحاب است و در درجه بعد ویژگی آگاهی به حدیث و انتقال روایات را برای او مطرح می‌کند. بدین ترتیب علی بن فضال در ابتدا یک فقیه و سپس یک محدث خبره بوده؛ مؤید این توصیف نجاشی؛ تعامل او با روایات پدرش است چرا که وی از پدرش بدون واسطه برادران؛ هیچ‌گاه روایتی نقل نکرده است حتی آنگاه که در ۱۸ سالگی کتاب‌هایی را با پدر مقابله می‌کرد (همو، ۲۵۸).

علی بن فضال همچون پدر بر مذهب فطحی بود و حتی در اثبات امامت عبدالله افطح نیز کتابی نگاشت. در مجموع حدود ۳۷ کتاب برای او بر شمرده‌اند؛ هرچند گزارش طوسی و نجاشی در نام برخی از کتاب‌ها متفاوت است؛ اما می‌توان گفت حدود ۱۳ کتاب او در موضوع فقه (الوضوء، الحيض و النفاس، الصلاة، الزکاه و الخمس^۲، الصیام، مناسک الحج، الطلاق، النکاح، المنعه، الجنائز، الفرائض، ما روی فی الحمام، العقیقه) و ۶ کتاب با موضوعات کلام بوده است (المعرفه، التنزیل من القرآن و التحریف، الانبیاء، الغیبه، اثبات

۱. شمارش براساس تعداد اسناد است.

۲. طوسی هرکدام را به عنوان یک کتاب می‌شمرد. کتاب الخمس، کتاب الزکاة. (طوسی، ۱۴۲۰، ق، ۲۷۲).

امامه عبدالله، الدلائل). در موضوع رجال کتاب «اصفیاء امیرالمومنین علیه السلام» را به علی بن فضال منتسب کرده‌اند؛ اما برخی در انتساب آن تردید دارند (همو، ۲۵۸). لیک وی دو کتاب دیگر با عنوان «المثالب» و «الرجال» نیز تدوین کرده است (همو). دیگر موضوعات همچون تفسیر، تاریخ، طب، دعا و زیارات و...^۱ نیز با فراوانی کمتر در میان آثار او وجود دارد. نکته قابل تأمل در میان آثار وی اشتراک ۷ کتاب در نام با پدرش حسن بن فضال است؛ الصلاة، الوضوء، البشارات، الرجال، المتعه، الملاحم و کتابی با طریق قمی که از پدرش به نقل از امام رضا علیه السلام است.

توجه به عنوان آثار علی بن فضال دقیقاً مطابق با توصیفی است که نجاشی از شخصیت وی ارائه کرده (همو، ۲۵۸). یعنی غلبه گرایش فقهی او بر دیگر علوم و تلاش وی در دریافت و انتشار حدیث با موضوعات مختلف همچون تاریخ و کلام و... که در شان یک محدث است.

۲-۲. طرق کشی به روایات علی بن فضال

راه دستیابی کشی به روایات علی بن فضال علی‌رغم گستردگی و تنوع مشایخ کشی در اختیار معرفه الرجال محدود به چهار شیخ است برخلاف آنچه که در طریق استفاده کشی از دیگر کتاب‌های رجالی همچون الرجال محمد بن عیسی بن عبید یقظینی دیده می‌شود. از سویی دیگر انتقال حداکثری روایات از طریق عیاشی نکته مهمی در بیان چگونگی دستیابی کشی به اثر رجالی علی بن فضال را بیان می‌کند.

۲-۲-۱. محمد بن مسعود عیاشی واسطه انتقال ۵۴ روایت علی بن فضال به رجال کشی است که دارای مضامین زیر هستند؛ انحراف همه مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به جز ۷ نفر (۱۴ با دو سند)، اطلاع میثم تمار بر مرگ خود (۱۳۷ با دو سند)، توجه کامل قیس به نماز در حالی که مار در گردنش چنبره زده بود^۲ (۱۵۱)، حضور اصیغ بن نباته در شرطه

۱. نجاشی کتاب وفاه النبی را برای علی بن الحسن ثبت می‌کند اما طوسی نام صفات النبی را در کتابش درج می‌نماید که به نظر می‌رسد احتمال تصحیف در نام کتاب وجود دارد. (همو، ۲۷۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۲۵۸)
۲. از آنجا که تعداد ارجاعات به کتاب رجال کشی بسیار است تنها به نقل شماره روایات اکتفا می‌شود.

الخمیس (۱۶۵)، بیعت مهدی مولی عثمان امام علی علیه السلام (۱۶۶)، اجابت دعای سعید بن مسیب در حفظ جاننش (۱۸۵)، اهل بهشت بودن زراره بن اعین (۲۰۸ با دو سند)، دعای امام صادق علیه السلام در مرگ عبدالملک بن اعین و مثل نداشتن او برای امام (۳۰۱)، نقل روایت همتایی علم امام علی علیه السلام چون خضر علیه السلام توسط حمران بن اعین (۳۰۵)، رحمت طلبی امام صادق علیه السلام بر بکیر (۳۱۶)، آموزش دعا به اسماعیل بن جابر و شفا یافتن بیماری او توسط امام صادق علیه السلام (۳۴۹)، تأیید کمیت به وسیله روح القدس (۳۶۵) با دو سند، اختلاف حکم بن عیینه در حکم فقهی با امام باقر علیه السلام (۳۷۰ با دو سند)، دروغ بستن سالم بن ابی حفصه بر امام صادق علیه السلام (۴۲۵ با دو سند)، مرجئه بودن سالم بن ابی حفصه (۴۲۶ با دو سند)، گمراهی حکم بن عیینه و سلمه و ابوالمقدام و کثیر النواء (۴۳۹ با دو سند)، پیروی ام خالد از امام صادق علیه السلام (۴۴۱ با دو سند)، نیک بودن عبدالله بن عجلان (۴۴۵)، مقابله امام صادق علیه السلام با بدگویی از ابن ابی یعفور (۴۵۵)، براءت امام کاظم علیه السلام از ابوالخطاب (۵۱۸)، دروغ بستن ابوالبختری بر امام رضا علیه السلام (۵۵۹)، طرد ابو حنیفه سابق الحاج توسط امام علی علیه السلام (۵۷۵)، پذیرش قسم و شهادت جابر مکفوف (۶۱۳)، آموختن قرآن در خواب مسلم مولی ابو عبدالله علیه السلام (۶۲۴)، حفاظت امام رضا علیه السلام از جان یونس بن یعقوب دلیل بر ذم او (۷۲۱)، ارسال کفن و حنوط در مرگ یونس بن یعقوب توسط امام رضا علیه السلام و توصیه امام رضا علیه السلام بر ریختن آب بر قبر یونس بن یعقوب (۷۲۲)، همجواری قبر یونس بن یعقوب با رسول خدا صلی الله علیه و آله (۷۲۳)، درخواست یونس بن یعقوب از امام برای دعا در یاری کردن دین (۷۲۶)، خرده گیری سفیان بن عیینه بر امام صادق علیه السلام در تقیه (۷۳۵)، علی بن حمزه و دوستانش همچون حمیر (۷۵۴)^۱، پایداری عجلان در کنار امام صادق علیه السلام (۷۷۲)، نادرستی نظر یونس بن عبدالرحمن درباره خلقت بهشت (۹۳۷)، کمک امام رضا علیه السلام و دعای ایشان برای ریان بن الصلت (۱۰۳۵).

۲-۲-۲. جعفر بن محمد بن معروف یکی از مشایخی است که سه روایت علی بن

۱. این روایت در شماره ۸۳۵ نیز تکرار شده است و در آمار نیامده است.

فضال را به کشی رسانده است (۹۳۵ و ۴۴۳ با دو سند). لیک در هیچ‌یک از اسناد نام جعفر بن محمد بن معروف تصریح نشده است و کشی از شناسه جعفر بن محمد استفاده می‌کند.

در شناسایی مصداق این نام در کتب رجالی ۲ احتمال وجود دارد؛ جعفر بن محمد بن معروف و جعفر بن محمد بن قولویه قمی. از میان این‌ها؛ جعفر بن محمد بن قولویه به‌عنوان شاگرد کشی شناخته شده که میراث وی را به قم و کوفه منتقل کرده است (کشی، ۱۴۰۹ ق، مقدمه، ۱۳). و از محدوده بحث خارج است. اما درک و درنگ در شیوه کشی در کاربرد اسامی مشایخ خود در کتابش قرینه‌ای مهم در شناخت مصداق این شناسه است. سبک کشی در نقل از مشایخ خود غالباً بدین شکل است که در ابتدا نام شخص را به‌طور کامل در اولین روایت‌هایی که از وی می‌آورد، بیان می‌کند و سپس نام را به‌طور اختصار در دیگر روایت‌ها تکرار می‌کند حتی اگر فاصله میان روایات بسیار باشد. این شیوه در مشایخی همچون عیاشی، حمدویه، طاهر بن عیسی وراق، احمد بن علی بن کلثوم و... دیده می‌شود. بدین روی نام کامل جعفر بن محمد بن معروف در نقل ۲۱۰ به‌طور کامل آمده است و سپس در نقل‌های ۴۴۳ و ۹۳۵ - تنها نقل‌هایی هستند که با شناسه جعفر بن محمد آمده - به‌صورت مختصر ثبت شده است. روایات او درباره تمایل و ارتباط ابوهارون با امام باقر^{علیه السلام} و امام صادق^{علیه السلام} و تلاوت زیاد قرآن وی (۳۹۵) و خواب دیدن امام صادق^{علیه السلام} مبنی بر استقامت در مسیر امامت میسر بن عبدالعزیز و عبدالله بن عجلان (۴۴۳) است.

۲-۲-۳. طاهر بن عیسی وراق الکشی یکی دیگر از مشایخ کشی است که روایتی درباره کمک و توجه امام صادق^{علیه السلام} به مفضل بن قیس است. طاهر بن عیسی خود مستقیماً با علی بن فضال ارتباط نداشته است و از طریق جعفر بن احمد بن ایوب السمرقندی از ابو الخیر از علی بن فضال روایت را نقل می‌کند.

۲-۲-۴. إبراهیم بن الْمُخْتَارِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْخَتَلِیِ روایتی درباره عرضه کتاب یوم و لیله یونس بن عبد الرحمن به امام رضا^{علیه السلام} و تأیید ایشان را برای کشی از علی بن فضال نقل می‌کند (۹۱۶).

۳- اندیشه شناسی رجالی و حدیثی علی بن حسن بن فضال

رجال کشی مهم‌ترین منبعی است که از طریق آن می‌توان آثار و اندیشه‌های رجالی علی بن فضال را بر اساس آن بازیابی کرد. در مجموع ۱۰۶ گزارش از علی بن فضال در رجال کشی آمده است که در دو دسته کلی روایات علی بن فضال و نظرات رجالی وی قابل مشاهده است که از این میان ۱۶۲ گزارش به روایات او اختصاص دارد که ۵۴ روایت آن در رجال کشی نقل از عیاشی^۱ و هفت روایت از چهار تن از مشایخ وی است. رویکرد کلی در روایات علی بن فضال توصیف رفتار راویان است. دسته دوم که عیاشی تنها منتقل‌کننده آن‌ها شناخته می‌شود؛ نظرات رجالی و حدیثی علی بن فضال با ۴۴ گزارش است. در ادامه نظرات رجالی برآمده از بررسی کل آثار علی بن فضال تبیین می‌شود و از آنجا که دریافت‌های عیاشی از علی بن فضال اهمیت ویژه‌ای در درک محتوا و جایگاه کتاب الرجال وی دارد این دسته از داده‌ها به طور خاص مورد تحلیل و کاوش قرار می‌گیرند.

۱. الف) روایت ۸۳۵ و ۷۵۴ هر دو یک نقل هستند که تکرار شده است از این روی یک بار شمارش شد.

ب) روایت ۶۳۰ به دلایل زیر شمارش نشده است؛

در سند روایت ۶۳۰ چنین آمده است «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ غَالِبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ فَضَيْلِ بْنِ عُمَانَ، عَنْ مَرْزُوقٍ، قَالَ...» اما به نظر می‌رسد مقصود از علی بن الحسن، الطاطری است و نه علی بن فضال؛ ۱. محمد بن عبد الله بن غالب از علی بن الحسن الطاطری از محمد بن ابی عمیر کتاب فضیل بن عثمان را نقل می‌کنند. ۲. محمد بن غالب از الطاطری روایت‌گری می‌کند (نک: نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۱۰۲، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۳، ۲۱۵، ۲۵۰، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۸، ۳۶۹، ۴۵۸). ۳. محمد بن عبد الله بن غالب و علی بن الحسن الطاطری هر دو واقفی هستند. و علی بن الحسن بن فضال در طریق نقل کتاب فضیل بن عثمان قرار ندارد از سویی دیگر احتمال نقل دو واقفی از یکدیگر نسبت به یک واقفی و یک فطحی بیشتر است. ۳. در مواردی دیگر نیز علی بن الحسن بن الطاطری به علی بن الحین بن فضال تصحیف یافته است و محققین به این امر تذکر داده‌اند. (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۳/ ۱۶۴)

نکته دیگر در این روایت تعلیق آن است. از آنجا که حمید بن زیاد شاگرد محمد بن عبد الله بن غالب در انتقال کتاب نوادر اوست (نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۳۴۰) و حمید بن زیاد متوفی ۳۱۰ هجری است (همو، ۱۳۲) و هم عصر نجاشی به شمار می‌رود از این روی محمد بن غالب در طبقه اساتید عیاشی است و کشی بدون واسطه نمی‌تواند از او روایت نقل کند.

۲. روایات ۳۰۱، ۴۳۹ با دو سند، ۷۲۱ با دو سند، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۶، ۹۳۷ تعلیق به عیاشی هستند و در باقی اسناد نام محمد بن مسعود آمده است.

۳-۱. شیوه بیان توثیق و تضعیف راویان

علی بن فضال از سه شیوه بیانی برای وثاقت یا ذم راویان استفاده می‌کند. شیوه‌ای که بسیار به‌کاررفته است بیان ویژگی‌های رفتاری و توصیف راوی است؛ که غالباً بیانگر رفتار راوی در مقابل امام هم‌عصر خود یا اهتمام به انجام اعمال عبادی و وظایف خود است همچون عدم یاری ابو عبدالله جدلی به امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا (۱۴۷) و یا توجه قیس به نماز درحالی که مار بر گردن او چنبره زده بود (۱۵۱؛ نمونه: ۱۶۶، ۱۴۷). در رتبه دوم از نظر فراوانی، شیوه کاربرد الفاظ توثیق و تضعیف بدون بیان دلیل برای راوی است که در قالب یک لفظ همچون «ثق» (۵۶۰)، «لاباس» (۶۲۳) و «کذاب» (۷۵۶) و... مطرح شده است. سومین شیوه بیانی علی بن فضال که کمترین فراوانی را رجال کشی دارد؛ شیوه مقایسه است. در این شیوه که همگی در پاسخ به سؤالات عیاشی استفاده شده؛ علی بن فضال برای بیان درجه وثاقت یک راوی از یک راوی دیگر بهره‌می‌گیرد و با بیان افعال تفضیل به برتری یک راوی نسبت به راوی دیگر و بیان جایگاه وی پرداخته: اصبع بن عبدالملک خیر من ابي حمزه الثمالی (۳۵۳) و بشار بن بشار خیر من ابان (۷۷۳) و ابن ابي عمیر افقه من یونس و اصلح و افضل (۱۱۰۳).

۳-۲. معیار توثیق و تضعیف راویان

۳-۲-۱. توثیق

معیارهای توثیق و تضعیف راویان بر اساس فراوانی در بیان علی بن فضال در سه دسته قابل بیان است؛ اول؛ صراحت رفتاری یا گفتاری امام در تأیید راوی یا یک ویژگی او اولین معیار در توثیق می‌توان برشمرد که همچون؛ پایداری در راه امام (۷۷۲، ۴۴۳)، بهشتی بودن (۲۰۸)، دعای امام در حق راوی (۳۰۱، ۳۱۶)، کمک مالی امام به راوی (۳۲۲)، آموزش دعا به راوی و شفا یافتن وی (۳۴۹)، تأیید روح‌القدس (۳۶۵)، مقابله امام با بدگویی از راوی (۴۵۵)، ارسال کفن و حنوط در مرگ راوی (۷۲۱)، بیان امام در مرگ

راوی در جوار قبر پیامبر ﷺ (۷۲۳)، تأیید کتاب راوی (۹۱۶)، صراحت بیان امام در انجام ندادن رفتار ناشایست توسط راوی (۴۴۵).

دو؛ ویژگی‌های مثبت رفتاری راوی دومین ملاک توثیق راویان از نگاه علی بن فضال است؛ توجه مطلق به نماز حتی در هنگام خطر (۱۵۱)، حضور در شرطه الخمیسی (۱۶۵)، اجابت دعای راوی (۱۶۶)، تلاوت زیاد قرآن (۳۹۵)، آموختن قرآن در خواب (۶۲۴)، درخواست راوی از امام برای یاری دین (۷۲۶)، درخواست لباس و پول راوی از امام (۱۰۳۵).

سوم؛ در این میان بیان ویژگی‌های مذهبی و اعتقادی راوی در توثیق راویان فراوانی کمتری دارد؛ بیعت با امام علی ﷺ (۱۶۶)، اعتقاد به علم امام علی ﷺ (۳۰۵)، باور به امتداد امامت بعد از امام صادق ﷺ (۳۰۶) نمونه‌ای از این قسم است.

بدین ترتیب با توجه به منقولات علی بن فضال در رجال کشی؛ به نظر می‌رسد آنچه که در وهله اول برای او در تعدیل راوی مهم است واکنش یا سخن امام نسبت به یک شخص است و توثیق کلی یک راوی ملاک مهمی در جایگاه و در پذیرش روایات او به شمار می‌رود و سپس گزارش‌هایی است که از ویژگی‌های رفتاری راوی به دست او رسیده و بر آن اعتماد کرده و در درجه سوم گزاره‌های بازگوکننده اعتقاد و باور راوی است. در این دسته علی بن فضال نه تنها بر گزارش‌های دیگران اتکا می‌کند بلکه روایت‌گری راوی در یک موضوع همچون علم امام علی ﷺ را برای فهم اندیشه مذهبی به کار می‌بندد.

۳-۲-۲. تضعیف

از گزارش‌های روایی علی بن فضال در ذم راویان دو ملاک قابل دریافت است؛ اول ویژگی‌های رفتاری راویان در مقابل امام است (نمونه: ۷۳۵، ۵۱۸، ۵۵۹) و دوم سخن صریح امام در رد اعتقاد راوی است (۸۳۴ و ۸۳۵ و ۹۳۷). افرادی که در این دسته ذم شده‌اند؛ ابو عبدالله الجدلی (۱۴۷)، سابق الحاج (۵۷۵)، حکم بن عتیبه (۳۷۰)، سالم بن ابی حفصه (۴۲۵)، کثیر النواء و ابو المقدم (۴۳۹)، محمد بن ابی زینب (۵۱۸)، وهب بن

وهب(۵۵۹)، سفیان بن عیینه(۷۳۵)، علی بن ابی حمزه(۷۵۴، ۸۳۴، ۸۳۵) و یونس بن عبد الرحمن(۹۳۷).

۳-۳. تاثیر باورهای کلامی علی بن فضال بر آرای رجالی وی

نکته دیگر در تحلیل محتوایی نظرات و روایات علی بن فضال عدم وجود ارتباط اندیشه فطوحی او بر توثیق و تضعیف‌هاست. علی‌رغم اینکه او بر فطوحی بودنش اصرار دارد و در اثبات امامت عبدالله افطوح کتاب می‌نگارد (نجاشی، ۱۳۶۵، ۲۵۸) لیک هیچ ارتباط معناداری از این باور وی در مسیر ارزیابی راویان یافت نشد. از میان فطوحی‌ها تنها ارزیابی وی درباره یونس بن یعقوب (۷۲۱ و ۷۲۲) ثبت شده است.^۱ شاید عمر کوتاه و هفتاد روزه عبدالله افطوح بعد از امام صادق علیه السلام (اشعری، ۱۳۶۰ ش، ۸۸؛ نوبختی، ۱۴۰۴ ق، ۷۸) و عدم وجود گزاره‌ای مؤثر از وی بر باورهای فقهی (مفید، ۱۴۱۳ ق - ب، ۳۱۲) و کلامی و اذعان دانشیان بر نزدیکی علی بن فضال به امامیه (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۲۷۲-۲۷۳) مهم‌ترین دلیل بر دست نخوردن باورهای اساسی وی در تشیع باشد. افزون بر این علی‌رغم توصیف عبدالله افطوح به مرجئی بودن از سوی امام صادق علیه السلام (مفید، ۱۴۱۳ ق - الف، ۲۱۱/۲؛ همو، ۱۴۱۳ ق - ب، ۳۱۲) اثری از این باور در اندیشه وی در جست‌وجوهای نگارنده یافت نشد بلکه حتی در سنجش وی نسبت به راویان رویکرد مخالف او را نسبت به مرجئه شاهد هستیم بدین شکل که به هنگام یادکرد از راویان؛ شاگرد خود عیاشی را به مرجئی بودن راوی توجه می‌دهد(۴۴۶).

در دیگر واکاوی‌های مذهبی به نظر می‌رسد علی بن فضال گرایش‌های غیر تأثیرگذار در اندیشه‌های مهم کلامی را در توثیق راویان دخالت نمی‌دهد. نمونه این را می‌توان در ام خالد مشاهده کرد. علی بن فضال ام خالد را زنی صالح و بر تشیع می‌داند اما از تمایل وی

۱. هرچند این اتفاق می‌تواند به دلیل وجود گزینش‌کشی در انتخاب روایات علی بن فضال باشد اما نکته‌ای است شایسته توجه.

به زید نیز خبر می‌دهد (۴۴۲) و از سویی دیگر سخن از پیروی او از امام صادق علیه السلام در براءت از عمر و ابوبکر است (۴۴۱) این مسئله علی‌رغم تمایل زیدیه به عمر و ابوبکر (مشکور، ۱۳۷۲ ش، ۲۱۶؛ نویختی، ۱۴۰۴ ق، ۲۱؛ فخرالدین رازی، ۱۴۱۳ ق، ۳۵-۳۶) قابل توجه است. بدین روی علی بن فضال شخصی همچون ام خالد را که در گرایش به عمر و ابوبکر از اندیشه زیدیه و کثیر النواء (۴۴۱) پیروی نمی‌کند و تمایل به زید ظاهراً در خروج او بر حکام بوده است را دلیلی بر ضعف وی نمی‌داند.

از دیگر نکات قابل توجه در میراث رجالی علی بن فضال حضور پررنگ آل‌اعین در نظرات و روایات رجالی اوست-خاندانی که غالباً از نظر جریان کلامی هم‌سو با علی بن فضال نیستند- که این امر حکایت از شناخت او از این خاندان است. زراره (۲۰۸)، حمران بن اعین (۳۰۵ و ۳۰۶)، مالک و قعب (۳۱۷)، بکیر بن اعین (۳۱۶)، عبد الملک بن اعین (۳۰۱) است که از این میان تنها مالک و قعب به دلیل باور مرجئی خود تضعیف و باقی توثیق شده‌اند. علی‌رغم ارتباط علی بن فضال با عبدالله بن بکیر بن اعین و فطحی و هم‌مذهب بودن با او (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۳۰۴) اما هیچ نقلی از او درباره عبدالله بن بکیر در رجال کشی وجود ندارد.

نکته مهم درمیان نظرات و روایات علی بن فضال حضور کم‌رنگ اختلافات کلامی اصحاب امامیه است. علی‌رغم اینکه علی بن فضال انگیزه ورود به منازعات کلامی اصحاب را ندارد لیک در هنگام یادکرد از یونس بن عبد الرحمن با بیان نظر وی در خلقت بهشت و رد آن توسط امام رضا علیه السلام به این بحث وارد می‌شود. از سویی دیگر علی بن فضال ناقل روایت تائید امام رضا علیه السلام بر کتاب یوم و لیله یونس است؛ و در هنگام قیاس میان ابن ابی عمیر و یونس برخلاف دیدگاه کشی که یونس را افقه طبقه خود درمیان اصحاب اجماع می‌داند ابن ابی عمیر را فقیه‌تر از یونس می‌خواند (۱۱۰۳)، بدین ترتیب می‌توان موضع او را در دعوای کلامی میان اصحاب تا حدودی تشخیص داد و وی را مخالف دیدگاه کلامی یونس و طرفدار ابن ابی عمیر دانست.

۳-۴. اعتماد علی بن فضال به اندیشه رجالی ابان بن عثمان

نکته قابل تأمل در میان روایات علی بن فضال تکیه وی بر نظر رجالی ابان بن عثمان است همو که معتقد به ناووسی بودنش دارد و بشار بن بسار را بهتر از او می‌پندارد. وی به نظر رجالی ابان درباره سالم بن ابی حفصه و مرجئی بودنش اعتماد می‌کند (۴۲۶) لیک براساس اطلاعات روایی موجود علی‌رغم اینکه سالم در طبقه مشایخ ابان جای می‌گیرد، رابطه روایی میان آن‌ها دیده نمی‌شود و ممکن است شناخت وی بر اساس شهرتی که از سالم درباره بتری و مرجئی بودن او بوده، ایجاد شده باشد (تقی‌الدین حلی، ۱۳۴۲ ش، ۴۵۵).

۳-۵. تحلیل اندیشه رجالی علی بن فضال از سخنان رجالی وی

حدود ۴۴ گزارش رسیده از علی بن فضال - افزون بر روایاتی که پیش از این ذکر شد - توسط عیاشی حکایت‌گر نظرات رجالی وی است؛ که گاه به مناسبت پرسش عیاشی از او و با کلیدواژه «سالت» و گاه به مناسبت نقل روایت و گفت‌وگوی رجالی و حدیثی عیاشی با وی با کلیدواژه «قال» و «حدثنی» بیان شده است.

اظهارنظرهای رجالی علی بن فضال نسبت به راویان غالباً بدون بیان دلیل است و با واژگانی همچون ثقه، کذاب و یا بیان اطلاعات هویتی همراه است.^۱ نکته قابل تأمل در این میان حضور نظرات علی بن فضال نسبت به راویانی است که در طبقه او یا مرتبط با او نیستند و میانشان فاصله زمانی وجود دارد؛ همچون بنو ذودان (۱۵۰)، ام خالد (۴۴۱)، ابو بصیر (۲۹۶). کاوش در ترجمه تمامی راویان با هدف یافتن چرایی نظرات وی نسبت به این دسته، دلایل آشنایی وی با راویان را در سه محور مشخص کرد؛ اول، کوفی بودن علی بن فضال و آشنایی با شرایط و قبایل کوفه در شناخت راویان بسیار تأثیرگذار است تا آنجا که تمام راویانی که درباره آن‌ها به گفت‌وگو می‌نشینند کوفی و غالباً از قبیله بجیله (طوسی،

۱. شرح آن در ادامه خواهد آمد.

۱۳۷۳ ش، ۳۲۳) و موالی آن (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۱۳) و یا از بنی اسد (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۱۱۸) هستند که نشان‌دهنده آگاهی وی نسبت به افراد این قبیله است. دوم، آشنایی علی بن فضال با میراث روایی راویان است به‌عنوان نمونه قرار گرفتن علی بن فضال در انتقال میراث روایی ابان بن عثمان (همو ۱۳) و آشنایی کامل با آن سبب شده است تا در هنگام ارزیابی بشار بن یسار وی را بهتر از ابان بن عثمان بدانند (۷۷۳) و همو است که شبیه ناووسی بودن ابان را مطرح می‌کند (۶۶۰) و یا نقل میراث کردین بن مسمع (۵۶۰؛ طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۳۷۷) و ابو داود مسترق (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۵۲۱) سبب آشنایی با آنهاست. سوم، مناسبت‌های مذهبی و آگاهی وی از فطحی‌ها همچون یونس بن یعقوب (۷۲۳ و ۷۲۲ و ۷۲۱) و موالی آنها همچون وهب بن جمیع (۶۴۳؛ حلی، ۱۴۰۲ ق، ۱۷۶؛ تقی‌الدین حلی، ۱۳۴۲ ش، ۳۶۳) است. در این میان رابطه برخی همچون علی بن الحزورالکناسی و ابو حنیفه سابق الحاج و... با علی بن فضال برای نگارنده مشخص نشد.

۳-۵-۱. تحلیل اندیشه رجالی علی بن فضال از میان پرسش‌های عیاشی از او

حدود ۲۵ سوال عیاشی از علی بن فضال در رجال کشی به ثبت رسیده است. از تحلیل این پرسش و پاسخ‌ها نکاتی قابل دریافت است؛ عیاشی در سؤالات خود درباره راویان از علی بن فضال از دو ساختار استفاده می‌کند. ساختار غالب مورد استفاده عیاشی تعبیر «سالت عن فلان» است (نمونه: ۶۸۴ و ۶۸۶) اما در ساختار دوم نام شاگرد راوی مورد پرسش به‌عنوان شاخص روایت‌گری وی دیده می‌شود (شوشتری، ۱۴۱۰ ق، ۱۸) و با ساختار «سالت عن فلان یروی عنه فلان» مسئله بیان می‌شود. (۵۷۴، ۶۴۲ و ۷۷۳).

پیگیری‌ها درباره دلیل پرسش عیاشی با ساختار دوم در نقل ۵۷۴ «سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ، عَنْ شُعَيْبِ يَرْوِي عَنْهُ سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ» هیچ رابطه روایی میان سیف بن عمیره و

شعیب بن اعین حداد^۱ را نشان نداد.^۲ جست‌وجو درباره علت سؤال نقل ۷۷۳ «سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ، عَنْ بَشَّارِ بْنِ بَشَّارٍ الَّذِي يَرَوِي عَنْهُ أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ» تنها یک روایت در کافی رابطه روایی این دو را نشان داد (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۴۲/۲). اما آنچه در نقل ۶۴۲ آمده «سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ، عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرِ الَّذِي يَرَوِي عَنْهُ الْحَسَنُ بْنُ مَجُوبٍ» در حقیقت از تنها راوی خالد بن جریر نام می‌برد چراکه حسن بن محبوب کتاب وی را نقل می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۱۵۰) و تمام روایات رسیده از خالد به نقل اوست.^۳ بدین روی بیان شاگرد یک راوی به‌عنوان شاخص روایت‌گری تنها در یک مورد دیده شد.

- اطلاعاتی که علی بن فضال در پاسخ به پرسش‌های عیاشی مطرح می‌کند بر سه محور است؛ بیان اعتبار و درجه و مذهب راوی (۷۵۴، ۵۶۷، ۵۶۰، ۶۳۷)، اطلاعات هویتی راوی که گاه سبب خروج راوی از حالت مجهول می‌شود (۶۲۱، ۴۴۶) و تمییز مشترکات میان راویان (۶۸۴) که سبب شناخت درست راوی هم نام و متفاوت در وثاقت می‌شود. نمونه آن در «علی بن حسان» قابل مشاهده است که علی بن فضال با بیان تفاوت میان هاشمی و واسطی، هاشمی را کذاب و واقفی و واسطی را ثقه بیان می‌کند (۸۵۱) و یا با تمییز میان مالک بن عطیه الدغشی و الاحمسی در قبیله عیاشی را به این نکته توجه می‌دهد (۶۸۴). توضیح روایات در طبقه‌بندی جزئی‌تر در ادامه خواهد آمد.

- راویان ذم شده در این دسته همگی امامی هستند و دلایل آن‌ها فساد در عقیده همچون غلو و کیسانی بودن است همانند؛ علی بن الحزور الكناسی (۵۶۷)، المنخل بن جمیل (۶۸۶)، اسماعیل بن مهران (۱۱۰۲)، علی بن حسان هاشمی (۸۵۱)؛ اشکال در

۱. کشی این نقل را در مدخل شعیب بن اعین می‌آورد.

۲. با بررسی احتمال تصحیف در متن و رابطه راویان بایکدیگر ۵ احتمال در نهایت به دست آمد لیک نمی‌توان از هیچ یک از این احتمالات به عنوان احتمال راجح یاد کرد؛ ۱. ابن ابی عمیر عن شعیب بن اعین (ابن ابی عمیر در طریق نقل اصل شعیب قرار دارد (طوسی، ۱۴۲۰، ق، ص. ۲۳۶) ۲. عبد الله بن المغیره عن شعیب بن اعین ۳. ابن ابی عمیر عن شعیب بن یعقوب العفرقوفی ۴. سیف بن المغیره عن یعقوب بن شعیب بن میثم التمار ۵. چنین رابطه روایی وجود داشته اما هیچ یک از روایات به دست ما نرسیده است.

۳. بشار بن یسار العجلی در کتب رجالی ثبت شده است. (همو، ۹۷)

۴. در محدوده اطلاعات نرم افزار درایه النور.

روایت گری و مخلط بودن ابو بصیر یحیی بن القاسم (۹۰۳) و دروغ‌گویی حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی (۱۰۴۲) را نیز از دیگر دلایل تضعیف راویان می‌توان برشمرد.
 - داده‌های علی بن فضال در پاسخ به سؤالات عیاشی را می‌توان به‌طور تفصیلی در این موضوعات دانست:

- اطلاعات شخصی و خانوادگی راوی همچون نام، محل سکونت، اهل جایی بودن، شغل، ارتباطاتی نظیر ولاء، سن، سال مرگ و تولد، ویژگی ظاهری و...؛ همانند: «سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَنِي ذَوْدَانَ الَّذِينَ فِي الْحَدِيثِ قَالَ: هُمْ قَوْمٌ مِنَ الْفُرْسِ بَرَّازُونَ.» (۱۵۰) ۱

- ویژگی‌های مؤثر در نقل حدیث همچون ثقه، لابس، صالح، دروغ‌گو و...؛ همانند: «إِنَّ مَيْسَرَ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ كَانَ كُوفِيًّا وَكَانَ ثِقَّةً.» (۴۴۶) ۲

- عقاید و باورها همچون مرجئی، عامی، غالی، واقفی و...؛ همانند: «قَعْنَبُ بْنُ أَعْيَنٍ أَخُو حُمْرَانَ مُرْجِيٌّ.» (۳۱۷) ۳

- توصیف رفتارها همانند شرب نیبذ؛ همانند: «...كَانَ أَبُو حَمْرَةَ يَشْرَبُ النَّبِيذَ وَ مُتَّهِمٌ بِهِ، إِلَّا أَنَّهُ قَالَ تَرَكَ قَبْلَ مَوْتِهِ...» (۳۵۳) ۴

- تمییز مشترکات؛ «سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِي نَابِ الدَّغَشِيِّ قَالَ هُوَ الْحَسَنُ بْنُ عَطِيَّةَ، وَ عَلِيُّ بْنُ عَطِيَّةَ وَ مَالِكُ بْنُ عَطِيَّةَ إِخْوَةٌ كُوفِيُّونَ وَ لَيْسُوا بِالْأَحْمَسِيِّينَ فَإِنَّ فِي الْحَدِيثِ مَالِكََ الْأَحْمَسِيِّ، وَ الْأَحْمَسَ بَطْنٌ مِنْ بَجِيلَةَ.» (۶۸۴)

- رابطه استاد و شاگردی؛ «كَانَ الْحَكَمُ مِنْ فُقَهَاءِ الْعَامَّةِ وَ كَانَ أَسْتَاذَ زُرَّارَةَ وَ حُمْرَانَ وَ الطَّيَّارَ.» (۳۷۰)

۱. دیگر نمونه‌ها: ۲۹۶، ۳۵۳، ۳۸۳، ۳۸۹، ۴۴۶، ۴۵۴، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۷۷، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۴۲، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۷۱، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۴، ۷۲۲، ۸۵۶.

۲. دیگر نمونه‌ها: ۴۵۴، ۵۶۰، ۵۷۴، ۵۷۷، ۶۲۳، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۷، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۷۱، ۶۷۹، ۶۸۱، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۷۳، ۸۳۴، ۸۵۱، ۹۰۳، ۱۰۴۲، ۱۰۶۳، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۶، ۱۱۳۸.

۳. دیگر نمونه‌ها: ۳۷۰، ۴۲۶، ۴۴۲، ۵۶۷، ۶۸۶، ۸۵۱، ۱۱۰۲.

۴. دیگر نمونه: ۴۴۲.

- توضیح حدیث؛ «قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ: وَالرَّجُلُ الَّذِي سَأَلَ الدُّعَاءَ وَالْكِسْوَةَ هُوَ الرَّيَّانُ بْنُ الصَّلْتِ...» (۱۰۳۵).

همان‌طور که مشخص است آنچه که از علی بن فضال نقل شده حاکی از تلاش وی در نشان دادن شأن یک راوی برای روایت‌گری است و سپس با دادن اطلاعاتی در زمینه‌های دیگر در معرفی او به جامعه محدثین می‌کوشد.

نکته دیگری که از این داده‌ها به دست می‌آید و تاکنون کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است دیدار و ارتباط مستقیم عیاشی با علی بن فضال است چیزی که در اسناد با تعبیری صریح همچون: «مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالَ عَنِ...» و «سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالَ» آمده است.

عبارت خیلی روشن‌تر از این‌ها نقل ۱۱۰۴ رجال کشی است که در آن عیاشی از جایگاه والای علی بن فضال و همانند نداشتن وی در عراق و خراسان سخن می‌گوید و با بهره‌گیری از واژه «رایت» درباره دیدارشان چنین می‌نویسد؛

«قال أبو عمرو: سألت أبا النضر محمد بن مسعود عن جميع هؤلاء؟ فقال أما علي بن الحسن بن علي بن فضال: فما رأيت فيمن لقيت بالعراق و ناحية خراسان أفاقه و لا أفضل من علي بن الحسن بالكوفة و لم يكن كتاب عن الأئمة عليهم السلام من كل صنف إلا و قد كان عنده و كان أحفظ الناس غير أنه كان فطحيا يقول بعبدالله بن جعفر ثم بأبي الحسن موسى(ع) و كان من الثقات»

این دیدار که به نظر می‌رسد نتیجه سفر عیاشی به کوفه باشد دربردارنده چند نکته است؛ اول آنکه جایگاه علمی علی بن فضال را در میان اصحاب زمان خود فراتر از مرزهای جغرافیایی نشان می‌دهد. دوم، وجود حضور گنجینه‌ای گسترده از کتاب‌های روایی که تا آن زمان تألیف شده نزد علی بن فضال است. سوم، تلاش وی در حفظ و ثبت دقیق روایات. چهارم، باورمندی وی به عبدالله افطح که از نظر عیاشی تنها نقطه ضعف وی به‌شمار می‌آید پنجم، ثقه بودن او در نظر عیاشی.

از همین روی عیاشی بسیار بر نظرات رجالی او اعتماد می‌کند و همان‌گونه که روایات نشان می‌دهد در جلسات رجالی و روایی وی شرکت می‌کرده است. این توصیفات دقیق عیاشی نمی‌تواند برآمده از ارتباط وی با آثار علی بن حسن باشد بلکه همان‌گونه که از الفاظ به‌کار رفته در آن قابل فهم است وی با او دیدار داشته است. با این تحلیل و اطلاعات به‌دست آمده از نقل‌های عیاشی از علی بن فضال و نیز توصیفی که ارائه داده است؛ نمی‌توان عبارت نجاشی را که دلالت بر بهره‌گیری عیاشی از اصحاب علی بن فضال و نه خود وی را دقیق دانست (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۵۰).

– با توجه به مضامین روایات منقول از علی بن فضال و گزارش کتاب الرجال از وی احتمال حضور این روایات در این کتاب بسیار است.

– استفاده عیاشی از ساختار «سالت علی بن فضال» در ۲۵ مورد، ۱۱ بار از عبارت «حدثنی»، ۲ بار «سمعت»، ۵ بار «قال» و ۵ بار «عن» برای نقل نظرات علی بن فضال و در مقابل بهره‌گیری از عبارات «قال حدثنی» و «عن» در نقل‌های روایی وی و از سویی روحیه او در حفظ و نقل درست روایات و احتمال خلط روایات با نظرات وی به نظر می‌رسد که این نظرات در کتاب رجالی وی وجود نداشته است و عیاشی در هنگامی که کتاب را از او سماع می‌کرده پرسش‌هایی داشته و یا علی بن فضال توضیحاتی در ضمن روایات به عیاشی ارائه داده است.

– به‌کارگیری عبارت «سالت...» توسط عیاشی نشان‌دهنده مرجعیت علمی علی بن فضال برای عیاشی است؛ همان‌گونه که دلیلی است بر تحیر و تردید عیاشی در موضوع سؤال که با پاسخ‌های علی بن فضال این تردید رخت برمی‌بندد.

– پرسش از راویانی همچون؛ بنو ذودان، ابو بصیر، ابو حمزه، ناجیه بن عماره، کردین بن مسمع، ابو داود مسترق و...^۱ نشان از ناشناخته بودن آنان نزد عیاشی و یا در عصر و

۱. نمونه‌های دیگر؛ فضیل بن زبیر، اسماعیل بن حقیبه، خالد بن جریر، وهب بن جمیعف علی بن خلید، زیاد بن ابی رجا، سالم بن مکرم، احمد بن عائذ، حسن بن عطیه، منخل بن جمیل، بشار بن بشار، علی بن حسان، حسن بن علی بن ابی حمزه، مروک بن عبید، اسماعیل بن مهران، یعقوب بن یزید.

منطقه او است.

- اکتفای کثی در برخی از مدخل‌ها در کتابش به نظرات رجالی علی بن فضال نیز نشان از این دارد که وی به تبعیت از استادش جایگاه علمی علی بن فضال را اگر نگوئیم کاملاً، حداقل در موارد سؤال شده به جز یک مورد (۱۱۰۲) می‌پذیرد.^۱

۳-۵-۲. تحلیل اندیشه رجالی علی بن فضال از میان نقل‌های غیر پرسشی

عیاشی از او

دسته دیگری از نظرات رجالی علی بن فضال در قالبی خبری -و غیر پرسشی- از عیاشی و با واژگانی همچون «قال» و «حدثنی» در ۳۲ مورد نقل شده است. دو معیار فساد در عقیده و ویژگی‌های رفتاری همچون شرب نبیذ و دروغ‌گویی در نظرات علی بن فضال در تضعیف راویان در این دسته دیده می‌شود. بر این اساس این افراد از نظر علی بن فضال ذم شده‌اند؛ مالک و قعنب بن اعین (۳۱۷)، ابو حمزه ثمالی (۳۵۳)، حکم بن عتیبه (۳۷۰)، ابان بن عثمان (۶۶۰)، علی بن ابی حمزه بطائنی (۷۵۵).

اطلاعات علی بن فضال درباره راویان در این دسته، در این سه محور است:

اول، مذهب راوی: مرجئه (۳۱۷)، عامی (۳۷۰)، ناووسی (۶۶۰)

دوم، اطلاعات هویتی (ویژگی ظاهری و شغل و اصالت راوی و...)، (۵۶۲، ۶۲۳، ۶۵۸،

۶۶۰، ۶۷۸، ۸۵۶).

سوم، اعتبار راوی که به سه شکل بیان می‌شود؛ اول، استفاده از واژگانی همچون ثقه (۴۵۴)، لایاس (۶۲۳)، کذاب (۸۳۴) و... دوم، مقایسه میان دو راوی با استفاده از افعال تفضیل مثلاً در «افقه» بودن ابن ابی عمیر نسبت به یونس بن عبد الرحمن (۱۱۰۲) و «خیر» بودن بشار بن بشار نسبت به ابان بن عثمان (۷۷۳) و «خیر» بودن اصیغ بن عبد الملک نسبت به ابو حمزه ثمالی (۳۵۳). سوم، بیان گزارشی از تکریم امام نسبت به

۱. بنگرید به ادامه همین نوشتار.

راوی (۷۲۱).

علی بن فضال در اعتبارزدایی از راویان و تضعیف آنها از واژه «کذاب» و «ملعون» (۱۰۴۲) و «مخلط» (۲۹۶) استفاده می‌کند و به هنگام اعتباربخشی به یک راوی از تنوع واژگانی «تقه»، «صالح» و «لا بأس» بهره می‌برد.

واژه «تقه» برای عبدالله بن ابی یعفر (۴۵۴)، سالم بن مکرم (۶۶۱)، ابی الصباح الکنانی (۶۵۸)، ابراهیم بن عیسی الخزار (۶۷۹) و عجلان ابی صالح (۷۷۲) به‌کاررفته است و «صالح» برای خالد بن جریر و «لیس به بأس» برای مثنی بن الولید و سلام بن غانم الحنات و مثنی بن عبد السلام (۶۲۳) و علی بن خلید مکفوف (۶۴۴) و بشار بن بشار (۷۷۳) استفاده شده است.

هرچند ممکن است تفاوت درجات وثاقت راوی را در نتیجه کاربست مختلف واژگان بیندازیم اما کاوش در ترجمه راویانی که به «لا بأس» توصیف شده‌اند از آنجا که اطلاعات علی بن فضال تنها اطلاعات حاضر در ترجمه آنها در دیگر کتب رجالی است، مسئله‌ای قابل بررسی برای کاربرد این واژه برای این راویان مشاهده نشد.

واکاوی از علت کاربست واژه «صالح» برای خالد بن جریر بجلی سبب رهنمود به ترجمه وی در رجال کشی شد که حکایت از عرضه اعتقادش بر امام صادق علیه السلام و تأیید ایشان است (۷۹۶) بدین ترتیب به نظر می‌رسد که این واژه در کلام علی بن فضال ناظر به جنبه ایمانی شخصیت وی است. استفاده علی بن فضال از واژه «صالح» در ترجمه ام خالد که در تولی یا تبری از ابوبکر و عمر از امام صادق علیه السلام کسب تکلیف و در نهایت از ایشان پیروی می‌کند (۴۴۱) نیز شاهدی بر این معنا است. این تفسیر از واژه صالح در آثار متأخران نیز دیده می‌شود (اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵ ق، ۱/۱۱۹).

نکته دیگر در این زمینه از تقابل میان بشار بن بشار با ابان بن عثمان در کلام علی بن فضال به دست می‌آید. او که ابان بن عثمان را ناووسی می‌داند از دو واژه «خیر من ابان» و «لیس به بأس» در تعدیل بشار بن بشار بهره می‌برد. بدین روی علی بن فضال سعی دارد

سلامت مذهب بشار بن بشار را بیان کند. این در صورتی است که ابان به تعبیر کشتی جزء اصحاب اجماع است (۷۰۵) اما علی بن فضال در مقام مقایسه یک راوی نه‌چندان شناخته با او، وی را بر ابان ترجیح می‌دهد.

اعتقاد به مخلط بودن ابو بصیر اسدی و رد اتهام به غلو او هرچند تنها از زبان علی بن فضال نقل شده است و سابقه‌ای در قبل از او و انعکاسی در آثار پسینیان نداشته؛ اما علی بن فضال میان این دو واژه «غلو» و «مخلط» از نظر اعتبار تفاوت قائل است و بر اساس دیدگاهش مخلط بودن سبب بی‌اعتمادی به اندازه بی‌اعتمادی به یک غالی نمی‌شود (۲۹۶ و ۹۰۳).

علی بن فضال هرچند در مقام مقایسه میان راوی دلیل برتری یکی بر دیگری را بیان نمی‌کند اما در مقایسه میان ابو حمزه ثمالی و اصبع بن عبد الملک به‌طور خاص دلیل آن را شرب نبیذ ابو حمزه مطرح می‌کند که نشان از حساسیت وی در این مورد است. با این حال این ویژگی رفتاری سبب نمی‌شود تا از دایره راویان مورد اعتماد وی خارج شود. بدین روی می‌توان تفاوت در میزان اعتباربخشی راویان را بر اساس کاربست واژگانی آن‌ها در کلام علی بن فضال تا حدودی مشاهده کرد.

۴- تأثیرگذاری اندیشه و آرای رجالی مشایخ علی بن فضال بر آرای رجالی وی

فهم نوع نگاه علی بن فضال به مشایخ خود و شیوه بهره‌گیری از مشایخ مختلف گامی است در جهت اندیشه‌شناسی رجالی و حدیثی وی، از این روی کاوش ترجمه مشایخ وی مشخص کرد که تقریباً تمام مشایخ علی بن فضال همچون عباس بن عامر (۱۴)، حسن بن علی و شاء (۱۳۷)، معمر بن خالد (۱۵۱)، مروک بن عبید (۱۶۵)، محمد بن ولید بجلي (۱۸۵)، علی بن اسباط (۳۰۱)، محمد بن اورمه قمی (۳۴۹)، ابو داود مسترق (۷۵۴)، عبد رحمن بن ابی نجران (۳۹۵) صاحب کتاب (نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۲۸۱، ۳۹، ۴۲۱، ۴۲۵، ۳۴۵، ۲۵۶، ۳۲۹، ۲۳۵؛ طوسی، ۱۴۲۰، ق، ۵۲۱) و غالباً کوفی و ثقه (همو) دانسته شده‌اند به جز علی

بن اسباط که فطحي و محمد بن اورمه که از جانب قمی‌ها متهم به غلو است (همو).^۱ بنابراین علی بن فضال روایات خود را سعی کرده است از مشایخ ثقه، معتبر، شیعی و احتمالاً از طریق کتب آن‌ها دریافت کند. علی‌رغم اینکه وی در حسن بن ابی حمزه اذعان می‌کند تمام روایات وی را شنیده و کتاب تفسیر او را دریافت کرده است اما اجازه نقل روایاتش را نمی‌دهد چراکه وی را دروغ‌گو می‌داند (۱۰۴۲).

۵- جایگاه حسن بن فضال در کتاب «الرجال» علی بن حسن بن فضال

نکته موردتوجه در آثار به‌جای مانده از علی بن فضال حضور کم‌رنگ روایات پدر در نقل‌های اوست هرچند که وی با واسطه برادران از پدر نقل می‌کند اما شمار این روایات بسیار اندک است (۲۰۸ و ۳۱۶) و موضوع هر دو مربوط به زراره و خاندان اعین است. از سویی دیگر نگاشتن کتابی با نام الرجال علی‌رغم آنکه پدر نیز چنین نگاشته‌ای داشته است نشان می‌دهد که نگاه و روش وی یا داده‌های پدر برای پسر کافی نبوده است که می‌تواند دلیل آن را در حجم و مقدار کم اطلاعاتی دانست که حسن بن فضال در کتاب خود آورده است^۲ و یا آنکه پسر به دلیل مرادوات و دسترسی بیشتر به گنجینه روایی قصد تکمیل آثار پدر را داشته است. این فرضیه با توجه به وجود ۶ کتاب با نام‌های مشترک میان این دو قابل بیان است.

۶- تاثیر گرایش‌های کلامی در کتاب «الرجال» علی بن حسن بن فضال

با توجه به آنچه تاکنون از روایت علی بن فضال بیان شد و تحلیل روایات وارد شده بر هر یک از راویان چنین قابل استنباط است که علی بن فضال در متون روایی رجالی

۱. درباره جعفر بن محمد بن حکیم یکی از مشایخ علی بن حسن بن فضال اطلاعاتی درباره کتاب و سکونت او ثبت نشده است اما با توجه به نوع راویانی که در طریق کتاب آنها هست، جعفر بن محمد بن حکیم ظاهراً کوفی است.
۲. مقاله‌ای با نام «بازیابی آثار رجالی «حسن بن فضال» با تاکید بر «رجال کُشی» از همین نویسندگان در دست چاپ است و در آنجا به طور مفصل به این موضوع پرداخته شد.

خود از اشخاصی که محل نزاع و درگیری‌های کلامی و جریان‌های مختلف هستند یاد نمی‌کند و یا اگر هم درباره شخصی همچون زراره که محل مناقشات و دارای اندیشه و نگرش خاصی در مباحث کلامی است گزارشی می‌آورد، رویکردش بررسی کلی شخصیت او همانند بهستی بودن اوست و نقل‌های مورد مناقشه و اختلافی آنان را بیان نمی‌کند.

افزون بر این در نظرات وی نیز این نزاع‌ها دیده نمی‌شود - به جز یونس بن عبد الرحمن (۹۳۷) - و تنها به مرزبندی‌های اصلی شیعه همچون عامی یا غالی بودن راویان اشاره‌ای می‌کند. هرچند پیش‌تر گرایش کلامی وی تبیین شد اما این امر در میان اثر رجالی وی چندان محسوس نیست. این مهم ممکن است به دلیل تقوا و زهدی باشد که از او وصف شد که به تبع آن وی از ورود به این مباحث و نقل روایاتی که به ظن او درستی یا نادرستی آن‌ها به دلیل اختلافات درون فرقه‌ای شیعه به‌سختی قابل تشخیص است، خودداری کرده و تلاشی در جهت شناساندن فرقه‌های مختلف درون شیعه نداشته است. به بیانی دیگر از او به‌عنوان یک فطحنی نمی‌توان اطلاعات گسترده‌ای درباره فطحی‌ها و یا غالیان و دیگر اندیشه‌ها به‌دست آورد و غالب راویانی که وی درباره آن‌ها سخن می‌گوید از مدرسه کوفه هستند.

۷- جایگاه روایات و نظرات علی بن فضال در رجال کشی

پاسخ‌های علی بن فضال به ۲۵ سؤال عیاشی منبع بسیار مناسبی برای درک رویکرد وی نسبت به راویان است. این نظرات رجالی در ۱۳ مورد تنها اطلاعاتی هستند که کشی در مدخل راویان درج می‌کند؛ و در ۵ مدخل؛ ابو بصیر لیث بن بختری، ابو بصیر یحیی بن لقاسم، فضیل بن زبیر، ابو حمزه ثمالی و عجلان بن ابی صالح از روایات در کنار آن بهره برده و در سه مدخل؛ ابو داود مسترق، الحسن بن ابی حمزه و ناجیه بن عماره از نظر رجالی حمدویه در شرح نظر علی بن فضال استفاده می‌کند که نشان از اعتماد بسیار کشی به نظرات علی بن فضال است.

تمام نظرات علی بن فضال مورد پذیرش عیاشی و کشی قرار گرفته است لیک تنها در

یک مورد نظر رجالی وی درباره اسماعیل بن مهران مورد پذیرش عیاشی و به تبع آن کشی نیست. علی‌رغم اینکه علی بن فضال کتاب‌های او را نقل می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۲۷) و ۹ روایت را از اسماعیل بن مهران بدون واسطه دریافت کرده است و در اصالت کوفی اشتراک دارند و زمینه شناخت علی بن فضال از وی وجود دارد اما عیاشی سخن وی را در غالی بودن اسماعیل بن مهران نمی‌پذیرد و باور دارد که اتهامی بیش نیست (۱۱۰۲) دانشیان پس از وی نیز در تعارض میان علی بن فضال و عیاشی؛ نظر عیاشی را برگزیده‌اند (همو، ۲۶؛ طوسی، ۱۴۲۰، ق، ۲۷؛ الحلی، ۱۴۰۲، ق، ۸) و بعضی نیز میانه رفتند و روایات او را آمیخته از «صالح و مضطرب» و او را روایت‌گر از راویان ضعیف بسیاری می‌دانند و در نهایت حکم به کاربرد روایاتش به‌عنوان شاهد داده‌اند (ابن غضائری، ۱۳۸۰، ۳۸).

کشی از نظرات علی بن فضال به‌عنوان تنها داده موجود در ۲۱ مدخل استفاده می‌کند و دیگر نظرات رجالی وی نیز غالباً با نظرات دیگر رجالیان همچون حمدویه (۳۸۹) یا روایات دیگر تکمیل یا تأیید شده است (۲۹۶، ۳۵۳).

روایات نقل‌شده به‌واسطه علی بن فضال نیز همچون آراء رجالی وی مورد تأیید کشی قرار گرفته است چراکه چینش روایات در مدخل‌ها به‌گونه‌ای است که روایات مخالف با آن‌ها دیده نمی‌شود و از سویی تعدادی از این روایات تنها نقل در مدخل است (۱۵۱، ۱۶۶، ۶۱۳، ۶۲۴، ۶۸۱، ۷۷۲) و در برخی دیگر روایات مؤید بر آن‌ها وجود دارد و یا آن‌ها مؤیدی بر متون روایی پیشین خود هستند (۱۴، ۱۳۷، ۱۸۵، ۱، ۳۷۰، ۳۰۱، ۳۱۶، ۱۶۵، ۴۴۱، ۴۵۵، ۵۵۹، ۷۵۵، ۹۳۷، ۱۰۳۵). بدین روی عملکرد کشی در مقابل روایات و نظرات علی بن حسن بن فضال اعتماد و پذیرش کامل آن است.

۸- تأثیر‌گذاری نقل‌های علی بن فضال در آثار رجالیان فریقین

تلاش‌های علمی علی بن فضال در آثار شیعه و اهل سنت بعد از خود اثرگذار بوده

۱. مقصود از ممیز در شماره‌ها قسمت اول یا دوم و... روایات است.

است نجاشی از علی بن فضال حدود ۳۲ مورد استفاده کرده است که البته در کمتر موردی نظر علی بن فضال را به کار می‌بندد و بیشتر از نام او در بیان طریق آثار و کتب حدود ۲۹ مورد (به عنوان نمونه (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۴۲۵، ۳۶۰) و نیز بیان طبقه استفاده می‌کند. (نمونه: همو، ۱۳، ۲۷) دو مورد بیان شاگرد و استاد طبقه (همو، ۳۱) و یک مورد تاریخ مرگ راوی است (همو، ۱۱۲).

شیخ طوسی در کتاب رجالی خود تنها دو مورد به بیان نظر علی بن فضال در بیان کنیه و طبقه راویان اشاره می‌کند (طوسی، ۱۳۷۳ ش، ۱۲۷) و در حدود ۳ مورد به بیان رابطه استاد و شاگردی با وی می‌پردازد (همو، ۴۰۷، ۴۳۱، ۴۳۸). در کتاب فهرست نیز نام خاندان فضال در طریق انتقال کتب به کاررفته است (همو ۱۴۲۰ ق، ۳۲۳، ۲۳، ۲۶۹ و...). حلی از نظرات علی بن الحسن در یک مورد بهره می‌برد (حلی، ۱۴۰۲ ق، ۲۳۱) که برخلاف نقل‌های نجاشی و طوسی در رجال کشی قابل پیگیری است (۷۵۵).

از میان اهل سنت دارقطنی در کتاب الموتلف و المختلف (البغدادی الدارقطنی، ۱۴۰۶ ق) و ابن ماکولا در اکمال الکمال (ابن ماکولا، بی تا) و نیز ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان (العسقلانی، ۱۳۹۰ ق) بهره برده‌اند.

گزارش‌های دارقطنی از علی بن حسن بن فضال در شناخت رجال شیعه و تمییز مشترکات راویان احتمالاً به واسطه ابن عقده که از شاگردان علی بن فضال بوده، رخ داده است.^۱ (انصاری، کاتبان^۲) همچون حدید بن حکیم الازدی (البغدادی الدارقطنی ۱۴۰۶ ق، ۷۷۵/۲)، حمد بن حمد (همو، ۸۲۲/۲)، حنان بن ابی معاویه (همو، ۴۳۲/۱)، مسکان (همو، ۲۰۹۳/۴)، علی رغم اینکه دارقطنی در این موارد به نقل از علی بن فضال اشاره کرده است اما این احتمال وجود دارد که در کتاب خود هر آنجا که راوی را از رجال شیعه

۱. محقق کتاب الموتلف و المختلف در مقدمه مقصود دارقطنی از ابن فضال را حسن بن فضال و نام کتاب وی را تاریخ الشیعه ذکر کرده است حال آنکه داده‌های رجالی درباره حسن بن فضال وجود چنین کتابی را اثبات نمی‌کند. (البغدادی الدارقطنی، ۱۴۰۶ ق، ۱۰۱/۱).

۲. بررسی‌های تاریخی - رجال الشیعه ابن فضال، به روایت دارقطنی (kateban.com).

برمی‌شمرد بر اساس آگاهی برآمده از کتاب علی بن فضال باشد؛ ابو غفیله الکوفی (همو، ۱۸۱۰/۴)، ظریف (همو، ۱۴۸۳/۳)، صباح بن سیابه (همو، ۱۳۷۷/۳)، خضر بن مسلم (همو، ۸۳۱/۲)، خضر بن مسلم (همو، ۸۳۱/۲)، ابو بصیر یحیی بن القاسم کوفی (همو، ۲۲۴۵/۴)، برید کناسی (همو، ۱۷۵/۱)، برید ابو خازم (همو، ۱۷۵/۱)، حریر بن عبدالله سجستانی (همو، ۳۵۶/۱)، حنان بن سدیر (همو، ۴۳۰/۱)، میثم الکنانی (همو، ۲۱۸۷/۴).

در اینکه او چگونه این اطلاعات خود را از علی بن فضال دریافت کرده بسی جای تأمل است چراکه روش دارقطنی در روایان ذکرشده چنین است که به نقل از ابن فضال روایان را از رجال شیعه می‌خواند و یا بیان می‌کند که از ابو عبدالله رضی الله عنه... روایت کرده است. با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده مبنی بر روایی بودن رجال علی بن فضال مشخص است که دارقطنی برداشت‌های خود از این کتاب را بیان کرده‌است. واکاوی این نقل‌ها مشخص کرد که در غالب موارد افراد نام‌برده در رجال کشی نقلی از علی بن فضال برای آن‌ها نیامده است.

گزارش‌های ابن حجر عسقلانی (ابن حجر العسقلانی، ۱۳۹۰ ق، ۴۰/۱، ۳۵۷/۲، ۳۶۸) و ابن ماکولا (ابن ماکولا، بی‌تا، ۵۴/۲، ۳۱۷/۲) از علی بن فضال نیز به نقل از دارقطنی است.

نتایج مقاله

۱. آثار رجالی علی بن حسن بن فضال در اختیار معرفه الرجال در قالب دو دسته کلی روایات رجالی و نظرات رجالی وی قابل پیگیری است.
۲. نظرات رجالی علی بن فضال تنها از طریق محمد بن مسعود عیاشی منتقل شده است.
۳. علی بن فضال در نظرات رجالی خود از سه شیوه بیانی برای وثاقت یا ذم روایان استفاده می‌کند؛ بیان ویژگی‌های رفتاری و توصیف راوی است، کاربرد الفاظ توثیق و تضعیف بدون بیان دلیل برای راوی و سومین شیوه بیانی که کمترین فراوانی را در اختیار دارد شیوه مقایسه است.

۴. معیار توثیق راویان از نظر علی بن فضال را در سه دسته می‌توان شماره کرد؛ صراحت رفتاری یا گفتاری امام در تائید راوی یا یک ویژگی او، ویژگی‌های مثبت رفتاری راوی دومین ملاک توثیق راویان از نگاه علی بن فضال است و بیان ویژگی‌های مذهبی و اعتقادی راوی در توثیق راویان. آنچه که در وهله اول برای علی بن فضال در تعدیل راوی مهم است واکنش یا سخن امام نسبت به یک شخص است و توثیق کلی یک راوی ملاک مهمی در جایگاه و در پذیرش روایات او به شمار می‌رود.

۵. هرچند علی بن فضال در اندیشه مذهبی و کلامی پیرو عبد الله افطح است و بر آن اصرار دارد لیک این امر هیچ ارتباطی میان این اندیشه با توثیق و تضعیف‌های او دیده نشد؛ اما می‌توان از احتمال گرایش کلامی وی هم‌راستا با ابن ابی عمیر و در مخالفت با یونس بن عبد الرحمن سخن گفت. علی بن فضال گرایش‌های غیر تأثیرگذار در اندیشه‌های مهم کلامی را در توثیق راویان دخالت نمی‌دهد

۶. وی گرایش‌های غیر تأثیرگذار در اندیشه‌های مهم کلامی را در توثیق راویان دخالت نمی‌دهد و نزاع‌های کلامی میان اصحاب در آثار رجالی علی بن فضال دیده نمی‌شود لیک نظر رجالی ابان بن عثمان را علی رغم ناووسی بودنش می‌پذیرد.

۷. آثار رجالی علی بن فضال درباره راویان مختلفی است اما حضور پررنگ آل‌اعین در نظرات و روایات رجالی او کاملاً قابل مشاهده است که این امر حکایت‌گر شناخت او از این خاندان است علی رغم این‌که هیچ نقلی از او درباره عبدالله بن بکیر فطحی مذهب در رجال کشی وجود ندارد.

۸. اظهارنظرهای رجالی علی بن فضال نسبت به راویان با توجه به بعد زمانی برخی از آنان نسبت به وی را می‌توان در این دلایل خلاصه کرد؛ اول، کوفی بودن علی بن فضال و آشنایی با شرایط و قبایل کوفه تا آنجا که تمام راویانی که درباره آن‌ها به گفت‌وگو می‌نشینند کوفی و غالباً از قبیله بجیله و یا از بنی اسد هستند. دوم، آشنایی علی بن فضال با میراث روایی راویان. سوم، مناسبت‌های مذهبی و آگاهی وی از فطحی‌ها.

۹. این پژوهش حکایت از آن دارد که علی بن فضال در کاربست برخی از الفاظ توثیق و تضعیف درایت‌های رجالی خود را به کاربسته و تنها به قصد تفنن در کلام نبوده است.
۱۰. به نظر می‌رسد که نظرات رجالی که در پاسخ به پرسش عیاشی ثبت شده است در کتاب رجالی وی وجود نداشته است.
۱۱. تمام نظرات علی بن فضال موردپذیرش عیاشی و کشی قرار گرفته است لیک تنها در یک موردنظر رجالی وی درباره اسماعیل بن مهران با مخالفت صریح عیاشی روبه رو شده است و دیگر دانشیان در این امر به داوری عیاشی توجه داشته‌اند.
۱۲. تلاش‌های علمی علی بن فضال در آثار اهل سنت بعد از خود بر دارقطنی و ابن ماکولا و ابن حجر اثرگذار بوده است.

کتابشناسی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ش.
۲. ابن حجر العسقلانی، محمد بن علی، لسان‌المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم‌العلماء فی فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین منهم قدیما و حدیثا، نجف اشرف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ ق.
۴. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال لابن الفضائری، به کوشش محمد رضا حسینی جلالی، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۵. ابن ماکولا، علی بن هبة الله، الاکمال فی رفع الارتیاب عن المؤلف و المختلف فی الأسماء و الکنی و الأنساب، دار الکتب الاسلامی الفاروق الحدیثی للطباعة و النشر، بی‌تا.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، به کوشش جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۷. الاشعری القمی، سعد بن عبدالله، کتاب المقالات و الفرق، به کوشش محمدجواد مشکور، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰ ش.
۸. اعرجی کاظمی، محسن بن حسن، عدة الرجال. قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۹. آقازیرگ تهرانی، محمدمحسن، طبقات اعلام الشیعه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ ق.
۱۰. البغدادی الدارقطنی، ابوالحسن، علی بن عمر، المؤلف و المختلف، به کوشش موفق بن عبد الله بن عبد القادر، بیروت، دارالمغرب الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۱. تقی‌الدین حلی، حسن بن علی، الرجال، به کوشش جلال‌الدین حسینی ارموی (محدث ارموی)، تهران، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۲ ش.
۱۲. حازمی همدانی، ابوبکر، محمد بن موسی، الاماکن او ما اتفق لفظه و افرق مسماه من الامکنه، به کوشش حمی بن محمی الجاسر، دار الیمامة للبحث و الترجمة و النشر، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. حسینی، السید عبدالستار، «أوجز الحوائی علی رجال النجاشی (القسم الثاني)». کتاب شیعه، ۱۳-۴۳. بهار تا تابستان، ۱۳۹۶ ش.
۱۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، به کوشش علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف، رجال‌العلامة الحلی، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، قم، الشریف الرضی، ۱۴۰۲ ق.
۱۶. روحی، علیرضا، «ریشه کاوی فراز و فرود فطحیه در تاریخ تشیع»، دو فصلنامه علمی تخصصی سیره پژوهی اهل بیت (ع) سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۹۵، ۶۹-۸۷، ۱۳۹۵ ش.
۱۷. رومی حموی، یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
۱۸. سبحانی، علیرضا، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. سیوطی، عبد الرحمن بن ابوبکر، لب اللباب فی تحریر الأنساب. بیروت، دارصادر، ۱۹۶۴ م.
۲۰. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. شیبانی جزری، عزالدین ابن الأثیر، اللباب فی تهذیب الأنساب، بیروت، دارصادر، بی‌تا.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعه و اصولهم اسماء المصنفین و اصحاب الاصول. قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.
۲۳. همو، رجال الطوسی، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین بقم المقدسه، ۱۳۷۳ ش.

۲۴. غلامعلی، محمد مهدی، مبانی و معیارهای جرح و تضعیف، قم، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳ ش.
۲۵. فخررازی، محمد بن عمر، اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین، به کوشش محمد زینهم، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. قاسم‌پور، محسن، ستار، حسین، فرهنگ اصطلاحات درایه الحدیث و رجال، هستی‌نما، دانشگاه کاشان، ۱۳۸۹.
۲۷. کشی، محمد بن عمر، طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ایران، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، به کوشش علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحدیث)، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹.
۳۰. گرامی، محمدهادی، نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه، دانشگاه امام صادق^{علیه السلام}، ۱۳۹۶ ش.
۳۱. المرزوق، حسین فواد، «رجال ابن فضال علی بن الحسن بن علی بن فضال»، رساله القلم، شماره ۲۴، شوال ۱۴۳۱، ۱۳۷-۱۷۷، ۱۴۳۱ ق.
۳۲. مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
۳۳. مفید، عباس، حسینی شیرازی، علیرضا، «فعالیت فرهنگی فطحیه در انتقال میراث امامیه (نمونه موردی بنو فضال)»، مطالعات اعتبار سنجی حدیث، بهار و تابستان، ۶۱-۸۳، ۱۳۹۸.
۳۴. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق - الف.
۳۵. همو، الفصول المختارة، به کوشش علی میر شریفی، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق - ب.
۳۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفه، ۱۳۶۵ ش.
۳۷. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۰۴ ق.
۳۸. هادی زاده کوه بنانی، احسان، «اندیشه‌های کلامی بنو فضال و تاثیر آن بر میراث علمی امامیه»، پایان نامه ارشد مدرسی معارف اسلامی گرایش مبانی نظری اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، ۱۴۰۰.
۳۹. انصاری، حسن، «رجال الشیعه ابن فضال، به روایت دارقطنی» ضمن پایگاه اینترنتی کاتبان، بررسی‌های تاریخی - رجال الشیعه ابن فضال، به روایت دارقطنی (kateban.com)، دسترسی در ۱۴۰۲/۱۰/۵ ش. (kateban.com)، ۱۳۹۵ ش.